

بررسی زبان و جنسیت در ادبیات کودک (مطالعه موردی: افسانه شعبان‌نژاد، شکوه قاسم‌نیا)

زهرا کدخدای

دکتر فائزه عرب یوسف آبادی^۲

دکتر علیرضا محمودی^۳

چکیده

شناخت زبان با توجه به نوع جنسیت افراد، از مقوله‌هایی است که اخیراً مورد توجه زبان‌شناسان قرار گرفته است. رابین لیکاف زبان‌شناس مطرح فرانسوی، نخستین کسی است که در مقاله خود با عنوان «زبان و جایگاه زنان» از تفاوت میان زبان زنان و مردان سخن می‌گوید. یکی از گسترده‌ترین بخش‌های ادبیات هر ملتی، ادبیات مربوط به کودکان و نوجوانان است. نویسندگان و شاعران همواره با زبان خاص خود با مخاطب سخن می‌گویند با توجه به اینکه کودکان و نوجوانان یکی از اقشار مهم جامعه به شمار می‌آیند؛ بنابراین هدف این پژوهش بررسی موضوع زبان و جنسیت برای ترسیم تصویری دقیق‌تر از زبان‌شناسی ادبیات کودک است. این پژوهش با رویکرد تحلیلی _ توصیفی و مبتنی بر نظریه زبان و جنسیت لیکاف به بررسی آثار شعری و داستانی افسانه شعبان‌نژاد و شکوه قاسم‌نیا در سطح واژگانی و نحوی می‌پردازد تا ویژگی‌های زبان زنانه را در آثاری که برای کودکان نوشته شده است، نشان دهد. نتایج حاصل از استخراج هر یک از متغیرها از آثار مورد مطالعه نشان داد که شاعران و نویسندگان برخی موارد همچون تشدیدکننده‌ها، تعدیل‌کننده‌ها، جملات امری، دعایی و سؤالی را مطابق با نظریه لیکاف به کار برده‌اند اما استفاده از رنگ‌واژه‌ها و دشواژه‌ها با نظریه فوق مطابقت نداشت.

واژگان کلیدی: جنسیت، زبان، ادبیات کودک و نوجوان، افسانه شعبان‌نژاد، شکوه قاسم‌نیا.

۱. مقدمه

زبان سیستم قراردادی منظم از آواها یا نشانه‌های کلامی یا نوشتاری است که انسان‌های متعلق به یک گروه اجتماعی یا فرهنگی خاص برای نمایش و فهم ارتباطات و اندیشه‌ها به کار می‌برند (نجاری، ۱۳۹۴: ۱۷). همیشه تصور می‌شود که یک جامعه زبانی دارای زبانی یکپارچه و یکدست است، اما این تصور با واقعیت یکدست نبوده است. زبانی که ما هر روز به کار می‌بریم به طور قابل توجهی در حال تغییر و دگرگونی است. در این زبان هر لحظه شاهد دگرگونی درونی در تمام سطوح ساختاری (واج‌شناسی، نحوی، ساخت واژی، کلامی و ...) هستیم و گویشوران آن از امکانات و گزینه‌های متفاوت و جدیدی که زبان در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد، بهره می‌برند؛ به همین دلیل هیچ گویشوری در تمام لحظات و موقعیت‌های زندگی خود در یک جامعه زبانی و حتی در یک گویش خاص به یک صورت سخن نمی‌گوید. عامری در تعریف جنسیت بر این باور است که جنسیت در مفهوم تلفیقی آن شامل عناصر زیست‌شناختی، روان‌شناختی، فرهنگی و اجتماعی است و از مؤلفه‌های هویت‌های فردی و اجتماعی محسوب می‌شود؛ به همین دلیل، رابطه زبان و جنسیت، در واقع زیرمجموعه‌ای از رابطه زبان و هویت است (عامری، ۱۳۹۴: ۲۲). باید توجه داشت که مفهوم جنس و جنسیت متفاوت است. جنس به امور زیستی و بیولوژیکی و جنسیت بر امور طبقاتی و جامعه‌شناختی دلالت دارد (کارتر، ۱۳۸۲: ۱۱). منظور از جنسیت همان جنس و نقش‌های متعارف هر جنس در هر جامعه است.

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ملی زابل.

۲- استادیار رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ملی زابل.

۳- استادیار رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ملی زابل.